

سر مقاله

خاور میانه پس از امریکا

ادامه از صفحه ۱

... به این معنی که الودن سران حاکمیت چین به «طعم و مزه رفاه» آنها را از ایده‌های سوسیالیسم چینی دور کرده و در ساختار حاکمیت آن کشور «ولیکارهای» بی‌پیدی می‌آورد که برای ادامه سلطه خود بر جامعه، فرایند پیوند با غرب را تلاطم می‌بخشد و به این شکل، چین یا جمعیتی بالغ بر یک‌پنجم جمعیت جهان، تبدیل به کارخانه غرب و ابزاری در دست غرب خواهد شد. نتیجه هم این شد که کیسینجر برای عملیاتی کردن این ایده به چین سفر کرد و تخت‌بست این استراتژی با آن بازی پیچ‌پنگ معروف در چین استرات و حرکت به سوی هضم چین در نظام سرمایه‌داری جهانی کلید خورد. دنگ شیائو پینگ هم با این تفکر که «هم نیست گریه سیاه باشد یا سفید، بلکه مهم آن است که موش بگیرد»، کلاما با یک تفکر عملگرانه و غیرایدئولوژیک به سوی این هدف که چین را کارخانه جهان کند، حرکت کرد و امریکا هم آسوده از اینکه دیگر چین را تحت کنترل دارد به نمایش‌های رسن میوه «رفاه الوده» نسبت تا در زمان مناسب، سیب را از درخت چینه و زمان آن در ۱۵ آوریل ۱۹۸۹ در میدان «تیان آن من» رسید و آن وقت بود که غرب احساس کرد خلاصت که می‌تواند میوه را چینه و آن دستان‌ها در میدان مرکزی پکن رخ داد دولت پکن اما توانست به هر شکل ممکن ماجرا را کنترل کند و پس از فروپاشی بلوک شرق و قدرت‌یابی اولیکارهای روسیه، متوجه شد که یا چه موضوعی طرف است، بنابراین به جای طرح «رفاه الوده» که غرب از آن حمایت می‌کرد با حذف اولیکارها در ساختار خود که حدود ۳۰ سال بود در بدنه جامعه چین ریشه دوانده بودند، پاسکاری رفاه را با گونه کردن دست اولیکارها از بدنه تصمیم‌سازی در پیش گرفت. اینجا بود که نظام سرمایه‌داری هم تصمیم به تغییر ریل گرفت و برزنسکی، ایده و طرحی جانشین، برای طرح کیسینجر ارائه کرد و آن را در کتاب «صفحه بزرگ شطرنج» بیان کرد.

در طرح برزنسکی، کنترل چین و در کنار آن کنترل روسیه، از طریق کنترل منابع انرژی محقق می‌شد و مهم‌ترین جایی که از طریق آن می‌شد کنترل منابع انرژی را در دست گرفت، ایران بود که هم از آنجا می‌شد منابع انرژی در خاور میانه و هم اوراسیا را کنترل کرد. برای همین واقعه یازده سپتامبر بهترین فرصت برای تحقق این استراتژی شد که با حمله به عراق، لیندا منابع آن را بعد بنا به گفته دیک چنی که مجری این استراتژی بود، تا تسخیر ایران، کنترل کامل بر منابع خاور میانه و اوراسیا ممکن می‌شد و از آن طریق، کنترل جهان برای دهه‌ها در اختیار امریکا قرار می‌گرفت و این طور، امریکا می‌توانست تمام توان خود را صرف آسیای جنوب شرقی کند.

اینجا بود که پس از کنترل عراق، مرحله بعدی طرح کلید خورد، برنامه خروج امریکا از خاور میانه و سپردن کنترل غرب آسیا به اسرائیل. این طرح نیز در دولت اول ترامپ با «پیمان ابراهیم» کلید خورد، ولی یک مشکل وجود داشت، طرح کنترل خاور میانه ناقص نبود. ایده برزنسکی برای کنترل چین و روسیه، بدون در اختیار گرفتن ایران محقق نمی‌شد و تا وقتی ایران کنترل نشود، پیمان ابراهیم و خروج امریکا و سپردن اختیار غرب آسیا به اسرائیل نیز تحقق پیدا نمی‌کند. برای همین لازم بود ایران را به هر شکل تسلیم کرد. این ضرورت، لیندا در وعده‌های انتخاباتی دور اول ترامپ برای خروج از برجام بیان شد، بعد هم با حذف تیلرسون و خروج قطعی امریکا از برجام و طرح ۱۲ ماده‌ای پمپو برای تسلیم بی‌قید و شرط ایران اعلام شد، طرحی که در صورت عدم قبول ایران، به تجاوز نظامی امریکا به اسرائیل ختم می‌شد. این تصمیم اما با شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ برای چهار سال متوقف ماند که البته ما هم از این توقف بهره لازم را نبریم و گمان کردیم با شکست ترامپ، این بخش از ساختار تصمیم‌گیری در نظام سرمایه‌داری که ترامپ را به قدرت رسد، یوه، تضعیف شده اما چنین نبود و وقتی ترامپ دوباره در سال ۲۰۲۴ به قدرت رسید، متوجه شدیم که موضوع جنگ قطعی است، چرا که دیگر برای امریکا فرصت چندانی جهت کنترل چین نمانده و باید ایران را به اختیار می‌گرفت. در این میان تمام تحرکات دیپلماتیک ما نیز به ثمر نرسید و جنگ آغاز شد. در این میان اما دیپلماتیک بسیار با ما یار بوده که از زمان قطعی شدن حمله به ایران در میانه دهه ۹۰ قرن بیستم تا میانه این دهه که بالاخره تجاوز اتفاق افتاد، ما ۳۰ سال فرصت داشتیم که خود را آماده این تهاجم کنیم و حالا دیگر مثل ۳۰ سال پیش نیست که ایران هم ناتوان از دفاع سرزمینی در مقابل چنین طرحی باشد و هم روسیه و چین ندانند که سقوط ایران، سقوط آنها نیز است.

هر چند بسیاری مایل به پیوند میان ایران و شرق نیستند، ولی واقعیت روی زمین نشان می‌دهد که علاقه‌مترین کار، استراتژی پیوندی کشورهایی است که متوجه شده‌اند، حمایت از ایران، منافع خودشان را نیز از خطر حفظ می‌کند.

مهراد احمدی شیخانی
alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می‌دهد

تأثیر مخرب جهش‌های قیمت ارز در ۲۵ سال اخیر

کلان، عملی می‌تواند به یک ملق ساختاری در برابر اصلاحات تبدیل شود. به باور مؤلفی، پناه بردن به ابهام در تحلیل‌ها و زیر سوال بردن نشانه‌های، عینی مشکلات، تنها به معنای از دست رفتن فرصت‌های حیاتی برای مهار فقر است. فرصت‌هایی که با تأخیر در واکنش به نوسانات ارزی، به شکلی جبران‌ناپذیر از دست خواهند رفت. اما آنچه که این اقتصاددان بر آن تأکید دارد، یک هشدار راهبردی است: اقتصاد ایران بیش از هر چیز از عدم صحت آمار رنج می‌برد تا زمانی که متغیر کلیدی ارز به عنوان موتور تولیدکننده فقر شناخته نشود و مسئولان امر، به جای انکار داده‌های رسمی، به اصلاح روش‌های سیستم‌های ارزی نپردازند. روند ریزش طبقات درآمدی به زیر خط فقر ادامه خواهد داشت. این گزارش نشان می‌دهد که بحران فعلی، نه تنها محصول فقدان داده نیست بلکه پدیده عدم پذیرش واقعیت موجود در سطوح تصمیم‌گیری است.

فقر در کشور، نیازی به پیچیدگی‌های مدل‌سازی‌های آماری نیست بلکه شواهد عینی موجود به تنهایی شدت مشکلات را نشان می‌دهد و با یک نگاه گذرا و دانش اقتصادی مقدماتی، می‌توان رابطه مستقیم میان نوسانات مخرب نرخ ارز و گسترش بی‌سلفه فقر را طی ۲۵ سال گذشته مشاهده کرد. این اقتصاددان با نقد رویکرد برخی مسئولان نسبت به آمارهای اقتصادی، به چالش قدیمی انکار واقعیت اشاره می‌کند. وی با اشاره به دوران مناقشات آماری در دولت‌های پیشین، یادآور می‌شود که مسئولان همیشه بخشی از بدنه مدیریتی کشور، به جای پذیرش واقعیت تلخ آمارها، به دنبال زیر سوال بردن صحت داده‌ها هستند. مؤلفی در این خصوص معتقد است: هر گذشته نیز وقتی نسبت به آمارهای اقتصادی تردید ایجاد می‌شد، تأکید می‌کرد که این ارقام، گزارش مستند

محبوبه ییدی - عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در تحلیل تاریخی از وضعیت میهنی کشور، به مسئولانی ذی‌ربطی که همچنان نسبت به این ارتباط معنادر تردید دارند، تأکید می‌کند. این ارتباط میان جهش‌های نرخ ارز و افزایش جمعیت زیر خط فقر، چنان آشکار است که حتی با چشم غیرمسلح نیز قابل رصد است. جایی سوال دارد که چرا برخی مدیران همچنان به جای پذیرش واقعیت‌های آماری به دنبال روایت‌سازی‌های موزی برای توجیه وضعیت میهنی مردم هستند؟

نوسانات ارزی و التهابات بازار از طی سال‌های اخیر به تیر نخست رساله‌ها تبدیل شده و کارشناسان اقتصادی با واکنش داده‌های رسمی دو دهه گذشته، پرده از حقیقتی تلخ برداشته‌اند: نابرابری ناگسستی میان سیاست‌های ارزی و سقوط معیشت خاورها. مؤلفی، از اقتصاددانان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی، معتقد است: برای درک ابهام‌بخیز

اختصاصی پیام آشنا - در شرایطی که نگاری درباره تأمین برخی کالاهای ضروری می‌تواند، رفتار مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهد، یکی از ساده‌ترین راه‌های کمک به ثبات بازار، برپیز از خرید هیجانی و توجه به میزان مصرف واقعی خانواده‌ها، قرار نیست مدیریت مصرف به معنای کاهش وعده‌های غذایی یا محرومیت از مواد غذایی مورد نیاز باشد. مسئله، خرید به اندازه مصرف درست و جلوگیری از هدررفت است. نان و برنج و ماکارونی سهم مهمی در سبد غذایی خوار دارند و هر سه از کالاهایی هستند که مدیریت آنها، در مرحله خرید تا زمان مصرف اهمیت دارد. بررسی موجودی خانه پیش از خرید، تخمین میزان مصرف و برپیز از تهیه چند برنج نیاز، نخستین گام در این مسیر است.

نان: کالایی که بخشی از آن به سفره نمی‌رسد نان یکی از اصلی‌ترین اقلام غذایی خوار ایرانی است و آمارهای موجود درباره میزان ضایعات آن، ضرورت توجه بیشتر به شیوه خرید و نگهداری را نشان می‌دهد. یک مطالعه سرور نظام‌مند در ۲۵ پژوهش انجام شده در ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا شهریور ۱۴۰۰ را بررسی کرده، میزان ضایعات نان در کشور را حدود ۳۰ درصد گزارش کرده است. این مطالعه همچنین بر نقش آگاهی مصرف‌کنندگان در حمل‌ونقل و نگهداری و مصرف صحیح نان در کاهش ضایعات تأکید دارد.

البته این عدد را نباید به معنای آن دانست که ۳۰ درصد نان خریداری شده، هر خوار مستقیماً در خانه دور ریخته می‌شود. مطالعات درباره دامنه و روش اندازه‌گیری ضایعات نان نتایج متفاوتی داشته و بخشی از این اتلاف در مراحل مختلف زنجیره اتفاق می‌افتد. با این حال، سهم خوار در کاهش دورریز کالاهای است، خرید نان باید متناسب با تعداد اعضای خوار و



اختصاصی پیام آشنا - اعتراضات دانش‌آموزان فرانسوی که ابتدا با مطالبات آموزشی و اعتراضی به کمبود معلم، فرسودگی مدارس و شرایط نامناسب تحصیل آغاز شد، اکنون ابعاد ژرفایی پیدا کرده است؛ ابهامی که موضوع حقوق کودکان، نحوه برخورد با پلیس با معترضان و تناسب استفاده از زور را به یکی از محورهای اصلی بحران تبدیل کرده است. در روزهای اخیر، سازمان‌های حقوق‌بشری و رسانه‌های بین‌المللی درباره برخورد نیروهای امنیتی فرانسه با نوجوانان هشدار داده‌اند؛ موضوعی که به‌ویژه پس از مجروحیت‌های شدید چند دانش‌آموز، حساسیت بیشتری پیدا کرده است.

نوجوانان در برابر ابزارهای کنترل شورش بر اساس گزارش‌های منتشر شده، تاکنون بیش



میزان مصرف روزانه انجام شود. نان اقلامی که از نیازهای بدون برنامه در محیط نامناسب نگهداری کرد پس از خنک شدن، بسته‌بندی مناسب و فریز کردن برای نگهداری بهتر است. می‌تواند به کاهش دورریز کمک کند و به نفع است. هر بار فقط مقدار مورد نیاز از فریزر خارج شود. نان خشک نیز از آمار دورریز نیست و می‌توان از آن برای تهیه پودر سوخاری یا برخی غذاهای استفاده کرد. بنابراین صرفه‌جویی در نان به معنای کمتر خوردن نیست؛ یعنی آنچه خریداری شده، تا حد امکان به مصرف برسد.

برنج: هشت تن دورریز در یک روز در مورد برنج، یک آمار مشخص درباره مرحله مصرف دارد. دور ریختن برنج، مؤسسه تحقیقات برنج کشور در اردیبهشت ۱۴۰۴ اعلام کرد که روزانه دست‌کم ۸ تن برنج در سفره مردم دورریز می‌شود و تأکید کرد این رقم جدا از ضایعات برنج در مراحل دیگر زنجیره است و به گفته او، این میزان معادل حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار قاشق

برنج است. این عدد بیش از هر چیز اهمیت اندازه‌گیری میزان یخت را نشان می‌دهد. مقدار برنجی که برای پخت آماده می‌شود باید با تعداد افراد و میزان مصرف آنها تناسب داشته باشد. پخت مقدار بسیار بیشتر از نیاز، احتمال باقی ماندن غذا و در نهایت دورریز آن را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، اگر غذای پخته سالم باقی ماند، نگهداری صحیح و مصرف آن در وعده بعدی می‌تواند از هدررفت جلوگیری کند. خرید برنج نیز باید بر اساس موجودی خانه و میزان مصرف واقعی انجام شود. داشتن ذخیره منطقی برای خوارها با خرید چند برنج نیاز تفاوت دارد.

ماکارونی: ماندگار، اما نه بی‌ایز از مدیریت ماکارونی به اندازه‌گیری بیشتر معمولی است. نگهداری طولانی‌تر در دماهای منجمد می‌تواند به خریدی حساب منجر شود. بیش از خرید بهتر است موجودی کابینت بررسی شود و میزان مصرف مانده خوارها در نظر گرفته

نیم‌نگاهی به اعتراضات دانش‌آموزان فرانسوی
حقوق بشر پشت در مدرسه ماند

به رفتار پلیس، صرفاً ناشی از ماهیت حوادث است یا موقعیت سیاسی و جغرافیایی کشورها نیز در این میان، یک پرسش جدی درباره نحوه بازتاب چنین حوادثی در رسانه‌های غربی و نهادهای حقوق‌بشری مطرح می‌شود. تجربه حوادث مشابه در کشورهای مانند ایران نشان داده است که رسانه‌های خارجی معاند، معمولاً با پوششی گسترده و جهت‌دار، برخورداری امنیتی را معترضان به برجهست کرده و آن را به ابزاری برای انتقاد از حاکمیت تبدیل می‌کنند. اما در مورد فرانسه مدعی حقوق بشر در دنیا، با وجود مرجوحیت نوجوانان، بازداشت گسترده و ورود نهادهای حقوق‌بشری، چنین موج رسانه‌ای و سیاسی علیه دولت فرانسه با همان شدت و گستردگی دیده نمی‌شود.

این تفاوت در میزان و نحوه پوشش، این پرسش را به وجود می‌آورد که آیا استاندارد‌های مورد استفاده در مواجهه با عملکرد دولت‌ها، در عمل برای همه کشورهای یکسان اعمال می‌شود یا جایگاه سیاسی کشورها نیز بر شدت واکنش‌ها اثر می‌گذارد؟ پرونده اعتراضات دانش‌آموزان فرانسه، دست‌کم از این منظر، آزمونی برای سنجش ادعای جهان‌شمول بودن معیارهای حقوق‌بشری است.

سالمه نیز پس از آسیب به چشم، شکایتی را علیه نیروهای امنیتی مطرح کرده است. در چند مورد، تحقیقات رسمی درباره عملکرد پلیس آغاز شده و پرونده‌ها در اختیار بازرس کل پلیس فرانسه، قرار گرفته است.

روندهای حقوق‌بشری

عفو بین‌الملل از مقام‌های فرانسه خواسته است تنش را کاهش دهند و به برخورد با اعتراضات، اصول قنونت و تناسب استفاده از زور را رعایت کنند. این سازمان درباره استفاده خطرناک از گاز اشک‌آور، باتوم، تانک‌های کنترل شورش و دیگر ابزارهای ضدشورش هشدار داده است. لیگ حقوق بشر فرانسه نیز واکنش پلیس را نگران‌کننده دانسته و همراه با شورای اتحادیه‌های سازمان‌های مدنی، خواستار گفتگو با دانش‌آموزان و تغییر شیوه‌های کنترل تجمعات شده است. این گروه‌ها اعلام کرده‌اند که موضوع «حقوق حقوق» و فرانسه و گزارشگران ویژه سازمان ملل از راجع خواهند داد.

اما یک پرسش بزرگ‌تر اینجاست که یک پرسش مهم‌تر مطرح می‌شود: آیا حساسیت گسترده رسانه‌ای و حقوق‌بشری نسبت